

الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری؛ رهیافتی نو در تحلیل انتقادی گفتمان‌های مطبوعاتی

رضا خیرآبادی* / معصومه خیرآبادی**

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی است که از دل جریان زبان‌شناسی انتقادی دهه ۱۹۷۰ میلادی برخاست و توانست در تحلیل گفتمان‌های خبری و آشکارسازی روابط ایدئولوژیک حاکم بر آنها بسیار موفق عمل کند. تحلیل انتقادی اخبار و محصولات رسانه‌ای یکی از پربسامدترین و پربازده‌ترین شاخه‌های تحلیل گفتمان انتقادی بوده است. در پژوهش حاضر رویکرد جدیدی به تحلیل اخبار با عنوان الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری ارائه می‌شود که بیش‌تر رهیافتی معناشناختی دارد و می‌تواند متون خبری را در سطوح تازه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های معنایی تحلیل نماید. در مقاله حاضر، ضمن معرفی این رویکرد نوین، یک نمونه خبر از روزنامه واشنگتن پست با موضوع پرونده هسته‌ای ایران و مذاکرات ایران با کشورهای غربی نیز در این چارچوب تحلیل می‌گردد تا میزان کفایت این انگاره در عمل نیز به نمایش گذاشته شود. پژوهش حاضر ضمن معرفی ویژگی‌های انگاره ارزش‌گذاری، در پی آن است که مشخص کند کاربرد این انگاره چه ارزش‌افزوده‌ای را به تحلیل‌های انتقادی اخبار می‌افزاید. یافته‌های تحقیق نشان داد که با توجه به ویژگی‌های معناشناختی، به ویژه در چارچوب معناشناسی ارزش‌گذاری وایت (۲۰۰۶)، می‌توان سطوح تحلیل تازه‌ای به تحلیل‌های انتقادی افزود و با توجه به مواردی مانند تاثیر عاطفی، بهادهی و داوری به تحلیل نقش معنایی عناصر زبانی در تحلیل گفتمان پرداخت. در شرایطی که تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان رویکردی رایج و متداول در عرصه تحلیل کلام مطرح است، انگاره‌هایی همچون الگوی معرفی شده در پژوهش حاضر می‌تواند راهگشای پژوهش‌های کلامی آتی باشد.

کلیدواژه: معناشناسی ارزش‌گذاری، تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل خبر، روزنامه واشنگتن پست

* استادیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (نویسنده مسئول) rkheirabadi@gmail.com

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۴/۲۶

۱. مقدمه

کارکرد و هدف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی افشای روابط قدرت و ایدئولوژی‌های پنهان ورای گفتمان‌ها و تلاش برای به نقد کشیدن آنها به نفع رفع تبعیض و تحقق عدالت در جوامع مختلف است. در این میان، تحلیل گفتمان انتقادی خبر به عنوان محصول رسانه و عامل شکل‌دهی افکار عمومی و تثبیت کننده یا به چالش کشاننده گفتمان‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. زبان‌شناسان پیشرو از جمله ون‌دایک^۱، ون‌لیوون^۲، فاولر^۳، کرس^۴ و فرکلاف^۵ که در اواخر دهه ۱۹۷۰م. با این رویکرد به پژوهش پرداختند، همگی به تحلیل اخبار رسانه‌ها و شیوه گفتمان‌سازی روابط قدرت در رسانه و کنترل افکار عمومی توجه داشتند. با گسترش تحلیل گفتمان انتقادی در اروپا و آمریکا در دهه‌های بعدی، این رویکرد به لحاظ نظری از هر دو بعد کمی و کیفی دستخوش تغییرات و نوآوری‌های وسیعی شد. در دهه حاضر، سیطره پیشین دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی^۶ (۱۹۸۵) بر تحلیل گفتمان تا حدی کمرنگ شده و رهیافت‌های جدیدی برای تحلیل اخبار ارائه گردیده است. با این وجود، از بین پژوهش‌هایی که با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در ایران انجام شده، آثار متعددی به تحلیل اخبار در چارچوب‌های قدیمی همچون انگاره سه سطحی فرکلاف، رویکرد شناختی ون‌دایک و رویکرد کنشگران اجتماعی ون‌لیوون اختصاص داشته است. در مقاله حاضر ضمن معرفی رهیافتی جدید که اساس معناشناختی دارد، نمونه‌ای از اخبار رسانه‌های غربی درباره ایران را در این چارچوب تحلیل می‌کنیم. به این منظور، بخش‌هایی از خبر منتشر شده در روزنامه واشنگتن پست درباره برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب الگوی مورد نظر وایت^۷ (۲۰۰۶) تحلیل می‌شود تا نشان دهیم انگاره مذکور برای تحلیل سطوح نامکشوف در سایر الگوهای تحلیل گفتمان انتقادی از

- 1-Van Dijk, T.
- 2-Van Leeuwen
- 3-Fowler, R.
- 4-Kress, G.
- 5-Fairclough, N.
- 6-Halliday's Functional Grammar
- 7-White, P.R.

کارایی مناسبی برخوردار است و می‌تواند با در نظر گرفتن عناصر معنایی موجود در متن خبر، تحلیلی متفاوت و نو، فراروی تحلیل‌گر گفتمان قرار دهد.

۲. پیشینه

تحلیل گفتمان انتقادی از ابتدای شکل‌گیری خود به تحلیل خبر علاقه و توجه ویژه‌ای نشان داده و در آثار افرادی همچون ترو^۱ (۱۹۷۹)، ون‌دایک (۱۹۸۸)، فاولر (۱۹۹۱)، بل^۲ (۱۹۹۸ و ۱۹۹۵) و فرکلاف (۱۹۹۵) جلوه کرده است. از مطالعات اخیر می‌توان به پانگ و وو^۳ (۲۰۰۹)، عبدالرزاق^۴ (۲۰۱۲)، دراگاش^۵ (۲۰۱۲)، آلن^۶ (۲۰۱۳) و ژانگ^۷ (۲۰۱۴) اشاره کرد. در ایران نیز تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل اخبار توجه داشته است. به عنوان نمونه می‌توان از آقاگلزاده (۱۳۸۵)، سلطانی (۱۳۸۵) و یارمحمدی (۱۳۸۹) نام برد که شالوده هر سه اثر، تحلیل متون مطبوعاتی است. آقاگلزاده و خیرآبادی (۱۳۹۳) نیز اثر دیگری است که به معرفی یک انگاره چند سطحی و زبان‌شناختی با اتکاء به یافته‌های تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته است.

۳. روش تحقیق

روش انجام پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی توصیفی است که طی آن ضمن توصیف الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری وایت (۲۰۰۶) یک نمونه خبر از یک روزنامه معتبر بین‌المللی به شیوه هدفمند‌گزینش شده و یافته‌های الگوی مورد نظر در تحلیل محتوای آن خبر به کار گرفته می‌شود. خبر مورد نظر در ارتباط با پروند هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و مذاکرات این کشور با قدرتهای جهانی است که به لحاظ ارزش خبری و اهمیت موضوعی در سطح ملی و بین‌المللی دارای اهمیت و برجستگی است. روزنامه واشنگتن‌پست به عنوان یک منبع خبری مهم، هم به دلیل

1-Trew

2-Bell, A.

3-Pang, H. Wu, S.

4-Abdul Razzaq, S.K.

5-Dragaš, M.

6-Aleen, P.

7-Zhang, M.

تأثیرگذاری‌اش در عرصه بین‌المللی و هم از نظر حرفه‌ای‌گری رسانه‌ای، یکی از رسانه‌های مهم آمریکایی محسوب می‌شود که در انعکاس اخبار مربوط به پرونده هسته‌ای ایران نیز عملکرد فعالانه‌ای داشته است. عنوان خبر مورد بررسی، «قدرت‌های بزرگ و ایران مذاکرات سازنده‌ای انجام دادند»^۱ است و لحن کلی آن به نظر مثبت می‌آید. نویسنده کوشیده بر خلاف اخبار رسانه‌های نزدیک به کاخ سفید از جمله فاکس نیوز، از موضع‌گیری صریح و ارزش‌دهی مستقیم پرهیز کند تا نوع خبر بر مخاطب تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. به نظر می‌رسد رسانه‌های پرنفوذ و حرفه‌ای جهان در سالیان اخیر حداکثر تلاش خود را به کار می‌گیرند تا تحلیل‌ها و مطالبشان بیش از پیش بی‌طرفانه جلوه کند. با تحلیل متن در چارچوب‌های مرسوم تحلیل گفتمان انتقادی شاید نتوان به تمامی لایه‌های پنهان این چنین متن‌هایی دست یافت؛ اما با کمک یافته‌های الگوی معناشناسی ارزش‌گذاری می‌توان جنبه‌هایی از این اخبار را تحلیل نمود که کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. این خبر به عنوان نمونه‌ای از اخبار در چارچوب بحث شده، تحلیل می‌شود تا کاربرد این چارچوب در تحلیل اخبار نشان داده شود.

۴. مبانی نظری

وایت (۲۰۰۶) از زبان‌شناسانی است که در زمینه تحلیل گفتمان‌های رسانه‌ای فعالیت‌های فراوانی داشته است. آثار او عمدتاً ناظر بر بررسی جنبه‌های معنایی متن‌ها و شیوه‌های ارزش‌آفرینی در متون از طریق کاربرد تفاوت‌های معنایی است. وی برای بررسی این شیوه نقش‌آفرینی معنا در عرصه تحلیل گفتمان، الگویی با عنوان «معناشناسی ارزش‌گذاری» پیشنهاد کرده که چارچوب نظری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. هرچند وایت در آثار متعددی این الگو را معرفی نموده؛ اما مشخصاً در مقاله‌ای با عنوان «معناشناسی ارزش‌گذاری و موضع‌گیری ایدئولوژیک در گفتمان مطبوعاتی - چارچوبی جدید برای تحلیل»^۲ که به عنوان فصلی از کتاب «انتقال



1-Major powers and Iran hold 'constructive' talks
2-Evaluative semantics and ideological positioning in journalistic discourse a new framework for analysis

ایدئولوژی از طریق متن و تصویر: ده مطالعه انتقادی^۱ و به ویراستاری اینگر لاسن^۲ (۲۰۰۶) منتشر گردیده است، چارچوب موسوم به «انگاره ارزش‌گذاری»^۳ را با تفصیل بیشتری بیان می‌کند.

وایت (۲۰۰۶) می‌نویسد: «نقطه آغاز مقاله را طرح این مطلب قرار می‌دهم که برخلاف ادعای رسانه‌ها در مورد «بی‌طرفی»^۴ در صنعت رسانه، گزارش‌های خبری در قالب گونه‌ای از روایت^۵ در معنای وسیع آن، تهیه و تنظیم می‌شوند؛ گفتمانی ارزش-مدار و ایدئولوژیک، با ظرفیت بالقوه تأثیرگذاری بر عقاید و مفروضات مخاطبان رسانه، درباره وضعیت فعلی جهان و شرایطی که می‌بایست باشد». البته از نظر وایت این گونه نیست که تمامی موارد گزارش‌های خبری به گونه‌ای یکسان به منظور تأییدکردن یک نظام ارزشی یا اعتقادی خاص و نیز تداوم یا طبیعی‌نمایی آن ایجاد شده باشند. مشاهده دقیق اخبار، مؤید تغییرات اساسی در عملکرد بیانی، نه فقط بر حسب تفاوت در مخاطبان مورد نظر (از جمله تفاوت میان مخاطبان مطبوعات عامه-پسند و روزنامه‌های قطع بزرگ جدی) بلکه همچنین بر حسب تفاوت نوع رسانه (رسانه‌های مطبوعاتی در برابر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی) و حتی بر حسب تفاوت موضوع (از جمله مسائل سیاسی در برابر گزارش‌های دادگاهی یا اخبار گشت-های پلیس) می‌باشد. یک ویژگی اساسی این عملکرد بیانی و در نهایت ایدئولوژیک، جنبه ارزش‌گذاری است. منظور از ارزش‌گذاری، قرار دادن مخاطبان در موقعیتی است که در مورد مشارکین، کنش‌ها، اتفاقات و وضعیت‌های بیان شده، دیدگاه مثبت یا منفی پیدا کنند. البته به وسیله همین موضع‌گیری‌های ارزشی است که رسانه، انگاره-ای خاص از نظم اخلاقی و اجتماعی را بنا می‌کند؛ یعنی برای تعیین این که چه چیزی طبیعی و چه چیزی غیرطبیعی و دارای انحراف است، چه چیزهایی سودمند و کدام زیان‌بار است، چه چیزی قابل تحسین و چه چیزی نکوهیده است و مواردی از این دست الگویی ارائه می‌کند. وایت هدف از انگاره ارزش‌گذاری را طراحی چارچوبی می‌داند که براساس آن بتوان برداشت‌های کامل‌تر و به لحاظ نظری اصول‌مندتری را

1-Mediating Ideology in Text and Image: Ten Critical Studies

2-Inger Lassen

3-Evaluation Model

4-Objectivity

5-Rhetoric

درباره این جنبه قضاوتی گزارش‌های خبری و تأثیر ایدئولوژیک آن‌ها ارایه نمود. این چارچوب ارزیابی^۱، سه زیر مجموعه وسیع از معنای ارزش‌گذاری را پیشنهاد می‌کند: الف) ارزش‌هایی که از طریق آن‌ها نگاه‌های مثبت یا منفی در مخاطب فعال می‌شوند (که در درون چارچوب ارزیابی با عنوان «گرایش»^۲ از آن‌ها یاد می‌شود). ب) ارزش‌هایی که از طریق آن‌ها قدرت یا شدت گزاره‌های مطرح‌شده افزایش یا کاهش می‌یابد (که در درون چارچوب پیشنهادی با عنوان «درجه‌بندی»^۳ نامیده می‌شوند).

ج) نهایتاً ارزش‌هایی که از طریق آن‌ها گوینده یا نویسنده با دیگر قضاوت‌ها و موضع‌گیری‌های ارزشی جایگزین در متن مورد نظر ارتباط برقرار می‌کند و با اصطلاح «تعامل»^۴ شناخته می‌شوند.

در بخش بعد به معرفی اجزای انگاره ارزش‌گذاری پیشنهادی وایت می‌پردازیم.

۵. الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری وایت: اجزاء الگو و کاربرست-

های تحلیلی

وایت در چارچوب پیشنهادی خود برای تحلیل ارزش‌گذاری در اخبار، برخی گزینه‌ها و امکانات زبانی را که می‌توانند به عنوان سازوکارهای انتقال و نمایش موضع‌گیری‌های گرایشی به حساب آیند معرفی می‌کند، ساز و کارهایی که توسط آن‌ها مخاطب نسبت به یک نگاه خاص، دید مثبت یا منفی پیدا می‌کند. وایت این ساز و کارها را به سه دسته زیر تقسیم می‌کند. لازم به ذکر است که مثالهای ارائه شده از اخبار و مطالبی است که در مقاله وایت (۲۰۰۶) مورد استفاده قرار گرفته اند.

۵-۱. انواع گرایش: تأثیر عاطفی^۵، داوری^۶، و بهادهی^۷

وایت، ارزش‌گذاری‌های مثبت و منفی را به سه دسته تقسیم می‌کند: تأثیرات عاطفی که واکنش‌های عاطفی به همراه دارند، ارزیابی رفتار و شخصیت فردی با ارجاع به

- 1-Appraisal
- 2-Attitude
- 3-Graduation
- 4-Engagement
- 5-Affect
- 6-Judgment
- 7-Appreciation



الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری؛ رهیافتی نو در تحلیل انتقادی گفتمان‌های مطبوعاتی —

نظام قراردادی یا نهادی هنجارها (داوری) و ارزیابی متون، اشیاء، وضعیت‌ها و فرایندها (بهادهی). وایت برای هر یک از این سه نوع گرایش، مثال‌هایی ذکر می‌کند: - (تأثیر عاطفی: واکنش عاطفی)

«روز شنبه با خشم به خانه بازگشتم.»

صفت «با خشم» نشان‌دهندهٔ واکنش عاطفی گوینده است. در متون خبری نیز شاهد استفاده قابل توجه از واژگان دارای تأثیر عاطفی هستیم.

- (داوری: ارزش‌گذاری هنجاری از رفتار انسانی)

«دستگیری وحشیانه تظاهرات‌کنندگان نه تنها شوکه‌کننده بود بلکه ماهیت

سرکوبگر رژیم‌هایی مانند رژیم حاکم بر چین را نشان می‌دهد.»

صفت‌هایی مانند «وحشیانه» و «شکنجه‌گر»، بازتاب‌دهندهٔ قضاوت و نحوهٔ

ارزش‌گذاری بر افراد و اشیاء مورد بررسی است.

- (بهادهی: اعطاء ارزش اجتماعی به اشیاء، مصنوعات، متون و امور)

«نطق جدید رئیس‌جمهور با شکوه و منسجم بود و به نظر ضیافتی از موضوعات

متنوع بود بدون این‌که سردرگم و مغشوش به نظر بیایند.»

صفت‌های «باشکوه» و «منسجم»، برای توصیف سخنرانی رئیس‌جمهور نمایان‌گر

بهادهی و ارزش اجتماعی مثبت به این سخنرانی است.

۵-۲. گرایش آشکار^۱ در برابر رمزگونه‌های گرایشی^۲

تمایز بین این دو نوع بیان ارزش، مربوط به بیان صریح در برابر بیان رمزگونه می‌باشد. وایت بیان آشکار را برای بیان ارزش به‌گونه‌ای مستقیم و واضح مورد استفاده قرار می‌دهد که در آن ارزش‌گرایشی (اعم از مثبت یا منفی) در حیطهٔ وسیعی از بافت‌ها ثابت و پایدار است. نمونه‌هایی که وایت برای این نوع از بیان ارزش‌گرایشی مطرح می‌کند عبارتند از صفت‌هایی مانند: فاسد، ماهرانه، بافضیلت، مستبد، بزدل، زیبا، مورد سوء استفاده، وحشی‌گرایانه. در برابر گرایش آشکار، وایت از اصطلاح رمزگونه‌های گرایشی برای بیان ارزش‌ها به‌گونه‌ای که به طور مستقل و خارج از بافت فاقد ارزش مثبت و منفی مشخص باشند، استفاده می‌کند. در این حالت،

1-Attitudinal inscription

2-Attitudinal tokens

موضع‌گیری ارزشی به جای آن که به طور صریح و آشکار بیان شود، از طریق رمزگشایی^۱ منتقل می‌گردد. وایت همچنین بین دو مفهوم یادآوری^۲ در برابر انگیزش عاطفی^۳ نیز تمایز قایل می‌شود و بیان غیرصریح ارزش‌ها را به دو دسته یادآور و بازآور تقسیم می‌کند. ساخت‌های رمزگونه می‌توانند فاقد هرگونه واژه دارای بار ارزشی یا دارای برخی عناصر ارزشی و البته فاقد بار صریح مثبت یا منفی باشند. در حالت اول، ارزیابی مثبت/ منفی از طریق مطالب ملموس و مبتنی بر واقعیت‌ها به ذهن یادآوری می‌شوند. فرایند یادآوری در نتیجه‌گزینش و مورد تأکید قراردادن مطالبی ایجاد می‌شود که دارای ظرفیت ایجاد واکنش مثبت یا منفی در خوانندگان از طریق استنباط و نتیجه‌گیری باشند؛ اما در حالت دوم، ارزیابی مثبت یا منفی به واسطه عناصری برانگیخته می‌شوند که اگر چه حالت ارزشی دارند؛ اما در ذات خود مثبت یا منفی نیستند.

در حالت برانگیختن عاطفی از شیوه‌هایی مانند تشدید^۴، قیاس^۵، استعاره^۶ و یا نقیض انتظار^۷ برای انتقال موضع ارزشی مورد نظر نویسنده یا گوینده استفاده می‌شود. به عنوان نمونه در جمله زیر، یادآوری از نوع ایجاد واکنش‌های مثبت یا منفی از طریق تمرکز بر محتوای صرفاً اطلاعاتی را شاهد هستیم:

" جورج دابلیو. بوش سخنرانی افتتاحیه ریاست جمهوری خود را در سرایطی ارائه نمود که ۵۳۷ هزار رأی کمتر از رقیب خود کسب نموده بود."^۸

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این متن خبری، صرفاً با آرایه محتوایی کاملاً اطلاعاتی، واکنش منفی خواننده نسبت به جورج بوش تحریک می‌شود؛ اما متن فاقد هرگونه واژه دارای بار ارزشی مثبت یا منفی است. یادآوری این نکته که بوش علی-رغم داشتن ۵۳۷ هزار رأی کمتر از رقیب خود، سخنرانی آغازین خود را در مراسم

1-Betokened

2-Evoking

3-Provoking

4-Intensification

5-Comparison

6-Metaphor

7-Counter-expectation

8-George W. Bush delivered his inaugural speech as the United States President who collected 537000 fewer votes than his opponent.

الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری؛ رهیافتی نو در تحلیل انتقادی گفتمان‌های مطبوعاتی —

سوگند ریاست جمهوری ایراد کرده است، به‌طور غیرمستقیم واکنشی منفی را در خواننده برمی‌انگیزد.

نمونه‌ای از برانگیختن عاطفی از طریق ایجاد واکنش مثبت یا منفی به‌وسیلهٔ صورت‌بندی‌هایی که به شیوه‌های دیگر دارای بار ارزش‌گذاری هستند نیز در مثال زیر مشاهده می‌گردد:

«شرکت تلسترا حمایت مالی خود از یک سرویس پیشگیری از خودکشی تلفنی را درست چند روز بعد از اعلام سود ۲/۳۴ میلیارد دلاری میانهٔ سال مالی، قطع کرد.»
در این نمونه^۱، خبرنگار تعجب خود را از اقدام شرکت تلسترا (بزرگ‌ترین شرکت مخابراتی استرالیا که تحت نظارت دولت این کشور نیز می‌باشد) در تعطیل کردن خط تلفن مشاوره جلوگیری از خودکشی، آن هم تنها چند روز پس از اعلام سود چند میلیارد دلاری این شرکت در نیمه سال اعلام می‌کند. در این‌جا وجود ترکیب «درست چند روز بعد از» برانگیزاننده این موضع‌گیری ارزشی است که اقدام این شرکت تعجب‌برانگیز و یا حداقل زود هنگام بوده است. وجود این قید زمان، به ایجاد واکنش منفی در خواننده متن منجر می‌شود.

۵-۳. کنش‌گری در برابر کنش‌پذیری^۲

وایت نیز در چارچوب خود تمایز مابین بیان کنش‌گر یا عدم بیان آن را که مهم‌ترین نمود آن در جملات معلوم در برابر جملات مجهول قابل مشاهده است، حائز اهمیت قلمداد می‌کند. وی معتقد است انتخاب در مورد این‌که کدام یک از مشارکین به عنوان کنش‌گر و کدام یک به عنوان کنش‌پذیر بازنمایی شوند، در قضاوت مخاطب مبنی بر میزان مقصر بودن مشارکین تأثیرگذار است. او با ذکر مثالی از پژوهشی که ترو (۱۹۷۹) دربارهٔ ناآرامی‌های منطقه ناتینگ هیل انجام داد، می‌نویسد: «ترو در تحلیل بسیار دقیق خود درباری نحوهٔ پوشش اخبار ناآرامی‌های دههٔ هفتاد منطقه ناتینگ هیل لندن در مطبوعات نشان داد که پوشش این رخداد توسط یک روزنامه به نحوی غیرمستقیم باعث می‌شد، خوانندگان روزنامه در موضع مقصر دانستن به

1-Telstra has withdrawn sponsorship of a suicide prevention phone service-Just days after announcing a\$2/34 billion half-yearly profit.

2-Agency and Affectedness

اصطلاح شورشیان قرار گیرند. در نقطهٔ مقابل، روزنامه دیگر، خوانندگان خود را در موضعی قرار می‌داد که بیش‌تر تقصیر را متوجه پلیس بدانند. در این مورد، نیروهای پلیس به عنوان کنش‌گران عمده و جمعیت به عنوان کنش‌پذیر معرفی شده بودند.»

۴-۵. نسبت‌دهی^۱

به باور وایت، روزنامه‌نگاران معمولاً در تهیه گزارش‌های خبری به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که نوشته‌هایشان فاقد معانی ارزشی، به‌ویژه از نوع صریح آن باشد و می‌کوشند تا نوشته‌های خود را به منابع بیرونی نسبت دهند؛ اما سازوکارهایی در اختیار روزنامه‌نگار است که می‌تواند به کمک آن‌ها به شیوه‌ای غیرمستقیم، هم‌سویی یا ناهم‌سویی خود با این مواضع ارزشی بیرونی را نشان دهد. در نتیجه این ساز و کارهاست که ممکن است خوانندگان در وضعیتی قرار بگیرند که موضع نویسنده را منطقی و قانع‌کننده ارزیابی کنند. وایت بررسی این سازوکارها را در تحلیل متون مطبوعاتی مبتنی بر غیرشخصی‌سازی ناقص، بسیار مهم می‌داند و به ذکر بعضی از این سازوکارها، به‌ویژه در سخت‌خبر^۲هایی که استفاده از ساختارهای ارزشی در آن‌ها محدودتر است، می‌پردازد. این سازوکارهای موضع‌گیری‌های ارزشی عبارتند از:

۴-۵-۱. گرایش آشکار در سرمقاله‌ها

همان‌طور که اشاره شد منظور از گرایش آشکار، انتقال معنای ارزش از طریق واژگانی است که در حیطهٔ وسیعی از بافت‌ها دارای معنای آشکار و تقریباً ثابتی هستند. واژگانی مانند توهین‌آمیز^۳ و ریاکاری^۴ در دو نمونهٔ زیر مصداق‌هایی از گرایش‌های آشکار می‌باشند:

- 1-Attribution
- 2-Hard news
- 3-Disgraceful
- 4-Sham



«رفتار دولت و پلیس در طول سفر رئیس‌جمهور چین «جیان زمین»، چیزی از یک اقدام توهین‌آمیز کم نداشت. چراکه برای سیاست خارجی اخلاق‌محور حزب کارگر، این سفر چیزی جز یک ریاکاری نبود.»^۱

این‌ها مواردی از بیان آشکار نظرگاه‌های نویسندگان سرمقاله‌های روزنامه‌هاست که انتظار می‌رود خوانندگان نیز آن‌ها را بپذیرند؛ اما از نظر وایت در اکثر روزنامه‌های حرفه‌ای و در سخت‌خبرهای آن‌ها، موارد استفاده از ثبت آشکار به‌گونه‌ای که مورد اشاره قرار گرفت، بسیار ناچیز است و مشخصاً به مواردی محدود می‌گردد که مطلب نوشته شده به یک منبع بیرونی نسبت داده شود. مانند:

«آقا یا خانم X می‌گوید/ بیان می‌کند/ اصرار دارد که ...؛ بر طبق گفته آقا یا خانم X و ...».

۵-۴-۲. سخت‌خبر و ثبت آشکار گرایش

وایت برای نشان دادن نحوه کارکرد ثبت آشکار گرایش در سخت‌خبرها، به ذکر دو متن، یکی از روزنامه تایمز و دیگری از روزنامه گاردین استناد می‌کند که هر دو به بیان یک ماجرای واحد، یعنی تظاهرات بر علیه مشارکت بریتانیا در حملات هوایی نیروی هوایی آمریکا و بریتانیا بر ضد رژیم عراق در سال ۱۹۹۹ (چند سال قبل از حمله آمریکا و متحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳) می‌پردازند؛ اما کاربرد صریح و آشکار ساختارهای دارای بار ارزشی، این دو متن را به طور کامل از یکدیگر متمایز می‌کند.

متن روزنامه تایمز، باعث می‌شود خوانندگان در موضعی قرار گیرند که نسبت به تظاهرکنندگان دیدگاهی منفی پیدا و با پلیس موضعی همدلانه اتخاذ کنند. اما متن شماره دو، در کارکردی کاملاً متضاد، دیدگاهی کمی منفی نسبت به پلیس و بسیار کم‌تر از آن نسبت به تظاهرکنندگان ارائه می‌کند. روزنامه تایمز تظاهرکنندگان را در کاربرد صریح و آشکار، «افراطی»^۲ می‌نامد که بار منفی آشکاری دارد. وایت به

1-The behavior of the government and the police during the visit of Chinese president Jian Zemin was nothing short of disgraceful.

As for Labor's "ethical foreign policy" the visit exposed that as nothing more than a sham.

2-extremist

تبعیض مذهبی به کاررفته در نوشته و اصطلاح «مسلمانان افراط‌گرا» اشاره‌ای نمی‌کند؛ اما متن مذکور آشکارا دارای بار منفی و سیاه‌نمایی نسبت به مسلمانان است. وی برای اثبات نظر خود مبنی بر وجود بار منفی آشکار و صریح در واژه «افراطی» شیوه جالبی برمی‌گزیند و با استفاده از روش‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای، واژه مذکور را در پیکره «بانک واژگان زبان انگلیسی»^۱ که دارای ۴۵۰ میلیون واحد واژگانی است، جستجو می‌کند. این واژه در ۴۳۲۰ مورد با ثبات بالایی به کار رفته و وایت اشاره می‌کند که در ۴۳۲ موردی که او برحسب تصادف از بین کل داده‌ها انتخاب و بررسی کرده است، این بار ارزشی به چشم می‌خورد است.

روزنامه‌گردین هم در متن دوم، رفتار پلیس را به شیوه‌ای صریح و با استفاده از اصطلاح «تاکتیک‌های مسلحانه»^۲ توصیف می‌کند، اصطلاحی که بار ارزشی اکثراً ثابتی در بافت‌های متنوع دارد و نشان‌دهنده استفاده زیاد از زور یا نوعی سوء استفاده از قدرت می‌باشد. وایت با اشاره به جستجوی این اصطلاح در بانک واژگان انگلیسی می‌نویسد در تمام ۹۵ موردی که برای کاربرد این اصطلاح یافت شد - بجز ۵ مورد - شاهد بار ارزشی منفی بوده است.

در هر دوی این متن‌ها فقط شاهد یک مورد ثبت آشکار و مستقیم گرایش ارزشی هستیم (همان مواردی که ذکر شد) و بخش مهمی از بار ارزشی متن‌ها توسط سازوکارهای غیرمستقیم انتقال می‌یابد. در متن اول، محتوای اطلاعاتی به‌گونه‌ای ارایه می‌شود که گویا «پلیس پس از آن که مورد تیراندازی قرار گرفت، به سمت تظاهرکنندگان شلیک کرد.» این شیوه بیان محتوای اطلاعاتی می‌تواند به‌عنوان توجیه رفتار پلیس عمل کرده و تیراندازی پلیس را نوعی دفاع از خود تلقی کند. این قضاوت البته در چارچوبی از نظام ارزش‌ها انجام می‌گیرد که در آن: الف) تیراندازی به سوی پلیس غیرقانونی است ب) پلیس حق دارد در صورتی که مورد شلیک قرار گرفت به اقدام تلافی‌جویانه دست بزند. این شیوه بیان اطلاعات، در خوانندگان نگرش مثبت نسبت به پلیس و منفی نسبت به تظاهرکنندگان را یادآوری می‌کند. در این متن، عمدتاً تظاهرکنندگان هستند که در نقش کنش‌گران فعال ظاهر می‌شوند و

1-Bank of English

2-strong-armed tactics

پلیس نقش منفعل در درگیری‌ها دارد. در نتیجه این تظاهرکنندگان هستند که مسئولیت بالقوه حوادث رخ داده را بر عهده دارند. در این متن، تظاهرکنندگان یا افراد منسوب به آن‌ها آغازگر^۱ شش فعل مادی هستند. این در حالی است که پلیس فقط در سه مورد ایفاگر نقش اصلی در فرایندهای مادی است:

«(پلیس) گاز اشک آور شلیک کرد و (پلیس) نارنجک پلاستیکی به سمت تظاهرکنندگان پرتاب نمود. آن‌ها (پلیس) سپس، بعد از آن‌که خودشان مورد اصابت گلوله قرار گرفتند، آتش گشودند.»^۲

این گرایش در تمام متن به چشم می‌خورد و تقویت‌کننده معانی‌ای است که باعث می‌شوند، خواننده تظاهرکنندگان را مهاجمان فعال و پلیس را شرکت‌کننده‌ای منفعل قلمداد کند که برای دفاع از خود وارد عمل شده است. همین گرایش در متن مربوط به روزنامه گاردین کاملاً حالتی معکوس دارد و این‌گونه تصوّر می‌شود که «پلیس بر روی مسلمانانی که بر علیه دیدار تونی بلر تظاهرات می‌کردند، آتش گشوده است» تا اعتراض آن‌ها را در هم بریزد. به‌طور قطع خوانندگان روزنامه گاردین، پلیس را در خشونت ایجاد شده مقصر می‌دانند. در متن گاردین این جمله به چشم می‌خورد:

«یک نمونه دیگر از وحشی‌گری پلیس در مکانی با سابقه وحشی‌گری پلیس.»^۳

و این در حالی است که خشونت‌های قبلی پلیس مربوط به رژیم آپارتاید بوده است. در ادامه متن، نویسنده آشکارا گرایش خود را بروز می‌دهد و توصیفی منفی از رفتار پلیس با عبارت «تاکتیک‌های مسلحانه»، ارایه می‌کند. قراردادن خوانندگان در موضعی منفی نسبت به پلیس و عملکردش با این جمله بیش‌تر تقویت می‌شود: «این گفته پلیس که ابتدا پلیس مورد اصابت گلوله و تیراندازی قرار گرفته، تأیید نشده است.»

در شیوه مرسوم خبرنگاری، اصلاً معمول نیست روزنامه‌نگار بگوید که اطلاعیه پلیس نیازمند تأیید است و این گفته بسیار نشان‌دار می‌باشد. بنابراین، با ذکر این «واقعیت»

1-initiator

2- [police] firing teargas and [police] throwing stun grenades at the demonstrators.

They then opened fire after being shot at themselves.

3-Another instance of police brutality in a place with a history of police brutality.

که ادعای پلیس هنوز به تأیید نرسیده است، پلیس منبعی غیرقابل اعتماد تلقی می‌شود که گفته‌های آن الزاماً صحت ندارد. این سوگیری ضد پلیس در اصطلاحاتی مانند «قوانین امنیتی زمان آپارتاید»^۱ نیز تقویت می‌شود. در متن روزنامه گاردین، پلیس در هشت مورد کنش‌گر افعال مادی است؛ در حالی که تظاهرکنندگان عامل فقط دو بند دارای فرایند مادی هستند.

وایت با ذکر این مثال‌ها نشان داد که نه‌تنها گزاره‌های دارای محتوای اطلاعاتی واحد؛ بلکه گرایش‌های موجود در سراسر متن از ظرفیت تأثیرگذاری برخوردار می‌باشند و این نشانه‌های گرایش مبتنی بر واقعیت می‌تواند با هر گونه گرایش آشکار موجود در متن تعامل داشته و ارزش‌های گرایشی آن‌ها به واسطه این نشانه‌ها تقویت و تثبیت شود.

۵-۴-۳. موضع‌گیری ارزشی از طریق یادآوری و انگیزش عاطفی

وایت به این نکته اشاره می‌کند که در کلاس‌های درس خود برای دانشجویان دوره کارشناسی مطالعات رسانه^۲ و زبان‌شناسی از این متن استفاده کرده و در بین دانشجویان، اقلیت قابل توجهی هستند که خوانش آن‌ها از متن، حاکی از هم‌دردی با فرد معترض نیست. این افراد عموماً دانشجویانی هستند که در زمان آشوب‌های میدان «تیان آن من» کم‌تر از پنج سال داشته‌اند و اخبار چندانی راجع به این حادثه شنیده‌اند یا از آن آگاهی ندارند. به هر شکل، اگرچه این صورت‌بندی بیش‌تر به عنوان یک رمزگونه در مورد ایجاد جهت‌گیری برای یافتن یک گرایش، باز است و بیش‌تر یک گرایش بازآور است تا یک گرایش یادآور، کماکان رد پای نویسنده که به صورت غیرمستقیم خواننده را به سوی یک موضع‌گیری ارزشی خاص سوق می‌دهد، مشهود می‌باشد. وایت به این نکته نیز اشاره می‌کند که کار بر روی مکانیسم‌های یادآوری و تداعی غیرمستقیم گرایش‌ها در چارچوب ارزش‌گذاری در مراحل اولیه قرار دارد و هنوز می‌بایست پژوهش‌های بیش‌تر و جدی‌تری بر روی این موضوعات انجام گیرد. اما تا همین‌جا نیز آشکار شده است که استعاره و سایر شیوه‌های قیاس را



1-Apartheid-era security laws

2-Media studies

الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری؛ رهیافتی نو در تحلیل انتقادی گفتمان‌های مطبوعاتی —

می‌توان به عنوان منبع مهمی برای انتقال معنا، هم در زبان به‌طور کل و هم در گفتمان‌های خبری به‌طور اخص به حساب آورد. او در ادامه به مثال متن شماره یک اشاره می‌کند و این که معترضان ضد بلر «خواهان ریختن خون نخست‌وزیر بودند»^۱ را به‌عنوان استعاره‌ای معرفی می‌کند که آشکارا مداخله ذهنی بسیار برجسته-ای در متن توسط خبرنگار ایجاد می‌کند؛ با این وجود خبرنگار در نوشته خود از کاربرد واژه‌های صریح و آشکاری که دارای بار منفی باشند مانند *شیطان*، *سنگدل* و یا واژه‌های تهدیدکننده اجتناب کرده است.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل بخش‌هایی از خبر «قدرت‌های بزرگ و ایران مذاکرات سازنده‌ای انجام دادند»^۲ بر مبنای الگوی وایت (۲۰۰۶) به قرار زیر است:

“Coming into the discussions, Iranian officials had vowed that the nuclear program was not on the table. But in what seems like a promising sign, one official said that "70 to 80 percent" of the more than three hours of morning talks was focused on the program. The parties then broke for a **lunch of duck and arctic char**, though **most of the Iranians ate separately**....”

در این خبر «شش قدرت برتر» جهان می‌کوشند ایران را متقاعد کنند با «جهان» همکاری کرده و نگرانی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای «مشکوک» خود را از طریق اجازه دادن به بازرسان برای «بازرسی‌های پیشرفته بیشتر» برطرف کند؛ اما بدون این که هیچ دلیل و منطقی از طرف ایران مطرح شود، تنها به مخالفت ایران با این بازدیدها اشاره می‌شود. در این بخش از خبر که در بالا آمده است می‌خوانیم:

«مقامات ایران در هنگام آمدن به محل مذاکرات اعلام کرده بودند که برنامه هسته‌ای مورد بحث قرار نخواهد گرفت. اما در نشانه‌ای امیدوارکننده یکی از مقامات

1-be baying for prime minister's blood

2-Major Powers and Iran hold 'constructive' talks / The Washington Post

– written by: Glenn Kessler

مطالعات زبانی و بلاغی

اظهار داشت که ۷۰ تا ۸۰ درصد از مذاکرات صبحگاهی که بیش از سه ساعت به طول انجامید، حول این موضوع بود.»

آنچه این بخش از خبر به صورت غیرمستقیم به مقامات ایرانی نسبت می‌دهد، آن است که ایرانی‌ها برخلاف «تعهد» اولیه خود، شاید ناگزیر به انجام مذاکره شده‌اند و یا این که مقامات ایرانی بر عهد خود پایبند نبوده‌اند. استفاده از فعل «تعهد کردن»^۱ بر بار عاطفی قوی که شکسته شده است، می‌افزاید.

حتی شیوه کاربرد اصطلاح «نشانه امیدوارکننده» در خبر نیز به‌طور غیرمستقیم در برابر متضاد معنایی خود یعنی نشانه‌هایی مبنی بر ناامیدی قرار می‌گیرد و در ثبت گرایشی غیر مستقیم به خواننده القاء می‌کند که پیش از این دور از گفتگوها، طرفین در حالی از ناامیدی قرار داشته‌اند و ایران پس از مجبور شدن به انجام عملی بر خلاف تعهد اولیه خود، توانسته است نشانه‌هایی از امید را ایجاد نماید.

اما ظریف‌ترین بخش خبر که هنر نویسنده ارشد واشنگتن پست، گلن کسلر، در تنظیم خبر و ارایه غیرمستقیم تصویر مورد نظر وی را نشان می‌دهد، بخش مربوط به صرف ناهار «خوراک اردک و کباب ماهی دریای شمال» است:

«طرفین سپس مذاکرات را به منظور صرف خوراک اردک و کباب ماهی دریای شمال قطع کردند، هرچند بیش‌تر ایرانی‌ها جداگانه غذا خوردند.»^۲

در این بخش از خبر، نویسنده از چند سطر قبل می‌کوشد به ظاهر موضوع مذاکرات و روند آن را به شیوه‌ای دقیق و همراه با جزئیات و البته صادقانه و بی‌طرفانه بیان کند (و به اصطلاح خبر را به شیوه مستند بیان نماید)؛ اما به نظر می‌رسد این بیان دقیق جزئیات و ریزه‌کاری‌های جلسه مشترک ایران و نمایندگان «شش قدرت» برای رسیدن به این جمله کلیدی است: «**بیش‌تر ایرانی‌ها جداگانه غذا خوردند**» غذایی که به دقت از آن نام برده شده و با ذائقه خواننده غربی غذایی بسیار مطبوع است و دلیلی برای نخوردن آن و همراه نشدن با بقیه نمایندگان وجود ندارد!

1-Vow

2-The parties then broke for a lunch of duck and arctic char, though most of the Iranians ate separately.

نویسنده با ظرافت قید مبهم «بیش‌تر» را به کار می‌گیرد؛ زیرا در بردارنده این پیش فرض است که گویا عده‌ای از اعضای گروه ایرانی با غربی‌ها ناهار را صرف کرده‌اند. در نتیجه، به طور تلویحی این گونه القا می‌شود که گروه ایرانی دو دسته هستند، اکثریتی که غذای مطبوع را نمی‌خورند و حتی در موقع صرف غذا نیز با نمایندگان «قدرت‌ها» تعامل نمی‌کنند و اقلیتی که غذای خود را همراه بقیه صرف می‌کنند. این همان تصویری است که رسانه‌های غربی می‌کوشند از جامعه ایرانی ترسیم کنند، جامعه‌ای دو پاره که حتی در موضوعی مانند صرف غذا نیز با جهان و حتی با خود توافق نظر ندارند. این وضعیت تیم مذاکره کننده ایرانی، در برابر پیام یکسان و متحد قدرت‌های جهانی قرار می‌گیرد که سه سطر پایین‌تر بیان می‌شود:

ایران باید به نگرانی‌ها درباره برنامه اتمیش توجه کند.¹

در این بین ذکر نام دو کشور روسیه و چین به صورت برجسته و متمایز از بقیه مذاکره‌کنندگان نشان می‌دهد حتی این دو کشور هم که رابطه نسبتاً بهتری با طرف ایرانی دارند، در دادن پیام یکسان و متحد با سایر طرف‌ها همراه هستند و ایران در این مذاکرات در تنهایی و انزواست؛ این انزوا با استفاده از صفت پیام متحد به ایران قابل دریافت است. همچنین صفت توصیف‌گر دو کشور چین و روسیه نیز به نوبه خود دارای بار ارزشی متمایزی است که با «دیگر کشورها» و تمایز دو سویه این دو کشور برجسته شده است.

نویسنده در ادامه مطلب، تنها با نوشتن همین جمله و تأکیدی که بر عبارت «مذاکرت سازنده بود» می‌کند، نشان می‌دهد اصطلاح «سازنده» صرفاً یک بازی دیپلماتیک با الفاظ به منظور طفره رفتن از بیان جزئیات بیش‌تر است. همچنین استفاده از ساخت مجهول، و بیان این عبارت که «گفته می‌شود فضای مذاکرات سازنده و مثبت بود» این تردید را ایجاد می‌کند که فضای واقعی مذاکرات چندان هم سازنده نبوده و این گمان در ادامه گزارش خبری تقویت می‌شود، بخصوص در این بخش:

1-other nations – including Russia and China – did so and “delivered the unified message” that Iran must address concerns about its nuclear program.

«بر خلاف ویلای قرن هجدهمی محل مذاکرات سال قبل، طرف‌های مذاکره-کننده این بار در یک ساختمان معمولی، زیر آسمان خاکستری و بارانی با هم ملاقات کردند»^۱

نویسنده با زیرکی و مهارت، مذاکرات این دوره را در تقابل با مذاکرات سال قبل قرار می‌دهد و در این مسیر از فضا (ساختمان معمولی) و شرایط آب و هوایی (آسمان خاکستری و بارانی) برای بیان غیر مستقیم فضای کلی مذاکرات استفاده می‌کند.

صفت bland (مطلوب، ملایم، معمولی) برای توصیف ساختمان building محل مذاکرات، آشکارا در تقابل با the 18th-century villa (ویلای قرن هجدهمی) که نماد شکوه و تجمل است، قرار می‌گیرد و به شیوه ضمنی بیان‌گر رو به ضعف رفتن و کاسته شدن از امیدها به جریان کلی مذاکرات است. با این حال، نویسنده کماکان با بیان واقعیت‌های به ظاهر بی‌طرفانه و خنثی که از فضا و محیط اخذ کرده است، به شیوه غیرمستقیم به نسبت‌دهی ویژگی‌ها ادامه می‌دهد.

در ادامه این گزارش خبری، نویسنده همچنین با ذکر این موضوع که مقامات رسمی تمایلی به ذکر نقل قول به همراه نامشان نداشتند، این گمان را برمی‌انگیزد که گویا موضوعی محرمانه و غیرقابل انتشار در مذاکرات وجود دارد که طرف‌های درگیر در مذاکره ترجیح می‌دهند بدون ذکر نام از آن‌ها خبری نقل شود و همین موضوع به محدود بودن جزئیات مذاکرات منجر می‌شود.

با مراجعه به متن اصلی خبر می‌توان بسیاری از موارد هر سه نمونه گرایش، اعم از تأثیر عاطفی، داوری و بهادهی همچون موارد ارزش‌گذاری و ثبت ارزشی آشکار یا پنهان را مشاهده کرد؛ اما همان‌طور که اشاره شد علاوه بر واژه‌ها و اصطلاحات دارای بار ارزشی مشخص، استفاده از تکنیک‌های زبانی پیچیده، از جمله برانگیختن عاطفی و نسبت‌دهی مشاهده می‌شود. البته موارد ذکر شده در بالا به این معنی نیست که نویسنده به طور کامل از سوگیری مستقیم و کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات دارای بار ارزشی منفی نسبت به ایران صرف‌نظر کرده است؛ بلکه به‌ویژه در بخش پایانی این گزارش خبری، گرایش آشکار نویسنده نسبت به ایران به خوبی قابل

1-In contrast to the 18th-century villa where last year's talks were held, the parties met this time in a bland building under gray, rainy skies.

مشاهده است. مورد زیر یک نمونه واضح از این ثبت گرایش آشکار نسبت به ایران است:

«ایران از محدود کردن بلندپروازی‌های اتمیش امتناع ورزیده است. در آستانه مذاکرات، مقامات در تهران بیان کردند که این کشور شروع به استفاده از کنستانتره اورانیوم تولید داخل، موسوم به کیک زرد، خواهد کرد.»

در این بخش از سرمقاله، نویسنده صراحتاً ایران را به بلندپروازی اتمی متهم می‌کند بدون این که دلیلی برای اثبات مدعای خود ارائه نماید. واژه «بلندپروازی»^۱ در زبان انگلیسی معمولاً در تقابل با کلماتی مانند wish و expectation قرار می‌گیرد و باری منفی و یا مبهم را در خود مستتر دارد که در زبان فارسی با معادل بلندپروازی برگردان می‌شود و به‌طور غیرمستقیم نوعی زیاده‌طلبی یا عدم واقع‌بینی را به ذهن مخاطب تداعی می‌کند.

وایت در مورد نحوه قضاوت در مورد بار ارزشی صفت‌ها و توصیف‌گرهای واژگانی به تجربه میدانی خود که حاصل تدریس در سطح دانشگاهی است اشاره می‌کند و نتایج بررسی‌های میدانی خود از تأثیر متون خبری بر ذهنیت‌سازی مخاطبان را این گونه گزارش می‌کند که وی به عنوان بخشی از تدریس خود، به مطالعه واکنش‌های دانشجویان به متون خبری پرداخته و از دانشجویان می‌خواهد این متن‌ها را بر حسب «خنثی بودن / جانبدارانه»^۲ تقسیم‌بندی کرده و در مورد کاربردهای ارزشی زبان که در متن تشخیص می‌دهند، توضیح ارایه کنند. وایت در طول پنج سالی که متن مربوط به تظاهرات معترضان چینی در جریان سفر رییس‌جمهور چین را مورد بررسی قرار داده است، همواره با دانشجویانی رو به رو شده که کاربرد واژه «مختل کردن»^۳ در متن مذکور را دارای بار منفی نسبت به تظاهرکنندگان تشخیص می‌دهند. این دسته، همان دانشجویانی هستند که هیچ اطلاعی از اعتراضات میدان «تیان آن من» ندارند و یا اطلاع بسیار کمی درباره جزئیات این حادثه دارند. سؤال اصلی از دید وایت این است که آیا کاربرد واژه «مختل کردن» بار گرایشی جدیدی به متن اضافه می‌کند یا نه؟ او با اشاره به نحوه کاربرد این فعل در بانک واژگان زبان انگلیسی مواردی از

1-Ambition

2-Subjectivity/Objectivity

3-Disrupt

پیوند قوی میان فعل «مختل کردن» و قضاوت منفی ارایه می‌کند. این تداعی منفی را می‌توان در صفت مخرب/ ایجاد اختلال کننده^۱ که دارای بار ارزشی آشکار است، مشاهده کرد که به‌طور مشخص در باهم‌آیی‌هایی مانند «عنصر مخرب»^۲ مشهود است. علی‌رغم موارد متعدد موجود در بانک واژگان زبان انگلیسی که مؤید بار منفی و تداعی گرایشی منفی فعل «مختل کردن» است، همین منبع نشان می‌دهد که در موارد معدود، فعل «مختل کردن» مفهوم منفی را منتقل نمی‌کند. به عنوان مثال:

«ایجاد اختلال در فعالیت تروریست‌ها» دیگر فاقد بار ارزشی منفی و حتی به نوعی واجد بار مثبت می‌باشد. مثال دیگری که وایت در این مورد نقل می‌کند «ایجاد اختلال کردن در حرکت تیم حریف به سوی دروازه» تیم خودی است که در این مورد هم فعل «مختل کردن» بار ارزشی منفی را تداعی نمی‌کند.

به نظر می‌رسد این رویکرد وایت و چارچوب ارزش‌گذاری می‌بایست توسط تحلی‌گران گفتمان به ویژه تحلیل‌گران گفتمان‌های مطبوعاتی با دقت و توجه بیشتری دنبال شود؛ چراکه در بسیاری از تحلیل‌ها صرفاً وجود یک واژه دارای بار ارزشی معین (اعم از مثبت یا منفی) بدون در نظر گرفتن معنای احتمالی دیگر مبنای تحلیل قرار می‌گیرد و در برخی موارد حتی فهرستی قطعی و مشخص از افعال دارای تداعی منفی یا مثبت ارایه می‌گردد که با رویکرد چارچوب ارزش‌گذاری می‌توان آن‌ها را مورد نقد قرار داد. به‌عنوان مثال افعال «متوقف کردن، آسیب زدن، قطع کردن، مانع شدن، اخراج کردن» و موارد متعدد دیگر، اگرچه در نگاه اول، افعالی با بار معنایی منفی ارزیابی می‌شوند؛ اما در مثال زیر شاهد هستیم که حداقل واجد بار منفی نبوده و حتی تداعی‌کننده نوعی موضع‌گیری مثبت نیز می‌باشند:

- نیروی انتظامی مانع از فعالیت فروشندگان مواد مخدر در منطقه پارک جنگلی شد.

همچنین نمی‌توان همواره برخی واژه‌ها را تداعی‌کننده بار مثبت و نشانه موضع‌گیری مثبت قلمداد کرد. از جمله فعلی مانند «تأیید شدن، موفق شدن» در مثال‌های زیر:

- تلفات سنگین زلزله اخیر ژاپن به تأیید کارشناسان رسید.



1-Disruptive

2-Disruptive element

- گروه‌های تروریستی موفق به یافتن منابع مالی جدیدی برای تأمین مخارج خود شدند.

لذا یکی از دستاوردهای الگوی مذکور می‌تواند بازنگری در بار ارزشی کلمات بویژه در گفتمان‌های خبری به عنوان بازتاب‌دهندهٔ ایدئولوژی‌های رسانه‌ای و سیاسی باشد.

۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش الگوی جدیدی برای تحلیل اخبار در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی معرفی و یک نمونه از اخبار رسانه‌های غربی دربارهٔ ایران تحلیل گردید. هدف از انجام پژوهش حاضر معرفی انگارهٔ معناشناختی ارزش‌گذاری و نحوهٔ کاربرد آن در تحلیل متون خبری رسانه‌ای بود و به همین منظور پس از معرفی ابعاد نظری و کاربردی الگوی مذکور، یک نمونهٔ متن خبری نیز در چارچوب این الگو تحلیل گردید. آن‌طور که یافته‌های پژوهش نشان داد، الگوی معناشناسی ارزش‌گذاری می‌تواند به عنوان مدلی مناسب برای تحلیل لایه‌های معنایی متون خبری مورد استفاده قرار گیرد. توجه به نسبت‌دهی‌ها و ارزش‌گذاری‌های غیرمستقیم و پنهان، بویژه استفاده از دستاوردهای زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌تواند تحلیل‌های انجام شده در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی را با صحت و دقت بیش‌تری همراه نماید. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان داد که چگونه استفاده از واژه‌های دارای بار معنایی قوی، اعم از مثبت یا منفی می‌تواند با قرار گرفتن در یک متن خبری عملکردی سوگیرانه و ذهنیت‌ساز ایفا کنند. در خبر تحلیل شده، استفاده از فعل «تعهد کردن» از طرف مقامات ایرانی و سپس عهدشکنی تلویحی گروه مذاکره‌کننده، نوعی ارزش‌گذاری غیرمستقیم را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. همچنین استفاده از بیان جزئیات مربوط به صرف غذا توسط هیئت‌های دیپلماتیک هم به شیوه‌ای هوشمندانه در خدمت ذهنیت‌سازی بر علیه ایران و نمایندگان آن قرار می‌گیرد. در تحلیل داده‌ها نشان داده شد که ارزش توصیف‌گرها و واژه‌ها، بسته به متغیرهای مختلف می‌تواند دستخوش تغییر گردد و واژه‌های به ظاهر خنثی و حتی دارای بار معنایی مثبت می‌توانند در نهایت منجر به برداشت منفی در ذهن مخاطب گردند.

این پژوهش علاوه بر معرفی یک چارچوب پژوهشی جدید، می‌تواند مؤید این موضوع نیز باشد که نقش تحلیل‌گر گفتمان در مقام مفسر و تبیین‌گر از تحلیل کمی

و عددی صورت‌های زبانی و قضاوت بر مبنای معنای مستقیم و آشکار واحدهای زبانی فراتر رفته و مستلزم توجه به لایه‌های پنهان‌تر معناشناختی و شیوه‌های ارزش‌گذاری از طریق سازوکارهای زبانی است. توجه به بار ارزشی واژه‌ها در نسبت با یکدیگر و شکل دهی به برداشت ذهنی مخاطب از یک متن جانمایه اصلی الگوی وایت (۲۰۰۶) است که می‌تواند ابعاد جدیدی به تحلیل انتقادی متون به ویژه متون خبری بیافزاید.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس و دیگران (۱۳۹۱)، **انگاره زبان‌شناختی نگارش و گزینش خبر: رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**، فصلنامه جستارهای زبانی، ۳(۴)، ۲۵-۴۲.
- آقاگل‌زاده، فردوس و خیرآبادی (۱۳۹۳)، **زبان‌شناسی خبر**، تهران: انتشارات علمی.
- سلطانی، سید علی‌اصغر (۱۳۸۳)، **قدرت، گفتمان و زبان: ساز و کارهای جریان قدرت در مطبوعات**، رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبائی.
- یار محمدی، لطف‌الله (۱۳۸۹)، **ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی**. تهران: هرمس.

-Abdul Razzaq, S.K. (2012), **Discourse Analysis of the Representation of Migrant Workers in the Star Online Newspaper**, *Asian Journal of Humanities and Social Sciences (AJHSS)*, 1(3), 114-131.

-Aghagolzade,F., Kheirabadi,R. (2008), **A linguistic study of news values in Iranian press**, *The international journal of humanities of the Islamic Republic of Iran:Tehran* 115(1), 1-7.

-Allen, P. (2013), **CDA approach to analysing BBC Television's Newsnight reports on the Israel/Palestine conflict**. MA, *University of Leicester*. MA TESOL and Applied Linguistics.

-Bell, A. (1995), **Language and the media**, *In Annual review of applied linguistics*, 15, 23-41. Printed in USA. Copyright, Cambridge University Press.

-Bell, A. and Garrett, P. (1998), **Media and Discourse: A Critical Overview**, In Allan Bell, and Peter Garrett (Eds.): *Approaches to media discourse*, Oxford, Malden, Mass: Blackwell, 1,120.

- Dragaš, M. (2012). **Gender Relations in Daily Newspaper Headlines: the Representation of Gender Inequality with Respect to the Media Representation of Women(Critical Discourse Analysis)**, *Studia Humana* , 1(2), 67—78.
- Fairclough, N. (1995), **Media Discourse**, London: Arnold.
- _____ (2003), **Analysing discourse**, London: Routledge.
- _____ (1989,2001), **Language and Power**, London: Longman.
- Fowler, R (1991), **Language in the news**, London: Routledge.
- Halliday, M. A. K (1985), **An introduction to functional grammar**, Great Britain: Arnold.
- Kheirabadi, R. Aghagolzadeh, F (2012), **Grice' s Cooperative Maxims as Linguistic Criteria for News Selectivity, Theory and Practice in Language Studies**, 2(3), 547-553.
- _____ (2012), **A Discursive Review of Galtung and Ruge' s News Factors in Iranian Newspapers**, *Theory and Practice in Language Studies*, 2(5), 989-994.
- Kheirabadi, R., Moghaddam, S. B. A (2012), **The Linguistic Representation of Iranian and Western Actors of Iran's Nuclear Program in International Media: A CDA Study**, *Theory and Practice in Language Studies*, 2(10),2183-2188.
- Martin, J. R., White, P. R (2003), **The language of evaluation**, London: Palgrave Macmillan.
- Pang ,H., Wu, S (2009), **Critical Instance Analysis of News English Discourse**, *English Language Teaching*, 12(2).148-151.
- Trew, T (1979), **What the newspapers say: Linguistic variation and ideological difference**, In R. Fowler, R. Hodge, G. Kress, & T. Trew (Eds.), *Language and control* 117-156. London: Routledge & Kegan Paul.
- Van Dijk, T. A (1988), **News as discourse**. Hillsdale, NJ: L. Erlbaum Associates.
- _____ (1988), **News analysis: Case studies of international and national news in the press**, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Van Dijk, T.A., ed (1985a), **Handbook of Discourse Analysis**, 4 vols. London: Academic Press.
- Van Leeuwen; T (2008), **Discourse and practice**, *New tools for critical discourse analysis*. Oxford university press.



- White, P. R (2006), **Evaluative semantics and ideological positioning in journalistic discourse**, *Mediating Ideology in Text and image: Ten critical studies*. Amsterdam: Benjamins, 37-67.
- _____ (2000), **Media objectivity and the rhetoric of news story structure**, *Language in Performance*, 379-397.
- Zhang, M (2014), **A Critical Discourse Analysis of Political News Reports**, *Theory and Practice in Language Studies*, 4(11), 2273-2277.

